

# تأثیر اندیشه‌های سوسیالیستی بر تدوین و نگارش اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مقاله علمی-پژوهشی)

قدرت‌الله رحمانی\*  
امیر حمیدی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

## چکیده

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تاریخ تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که اندیشه‌ها و خوانش فقهی و اسلامی، بیش از دیگر زوایای مؤثر در تنظیم اصول قانون اساسی در کانون توجه پژوهشگران حقوق اساسی بوده است. میرهن است که دستیابی به فهمی درست و همه‌جانبه از زوایای گوناگون قانون اساسی، نیازمند بررسی دقیق و موشکافانه همه جریان‌های سیاسی، اجتماعی و فکری مؤثر در تدوین آن است. جنبش چپ و هواداران سوسیالیسم، یکی از جریان‌های سازمان‌یافته و پرهوادار در نخستین روزهای انقلاب ۱۳۵۷ بود که با پیشینه کهن و پشتیبانی نیرومند اجتماعی‌اش، تأثیرات ژرفی بر رویدادهای سال‌های آغازین انقلاب، به‌ویژه درون‌مایه و شیوه نگارش اصول اقتصادمحور قانون اساسی بر جای گذاشت. از میان احزاب و گروه‌های پرشمار چپ‌گرا و هوادار سوسیالیسم که پس از سرنگونی نظام شاهنشاهی مجال تنفس و کنشگری یافتند، حزب توده، اتحادیه کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان و سازمان مجاهدین خلق نقشی بسیار پررنگ در این زمینه داشته‌اند. بررسی یادداشت‌ها، نامه‌ها، بیانیه‌ها و گزارش‌های منتشرشده در نشریات هوادار سه جریان یادشده، نشان از آن دارد که حتی نص برخی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تا اندازه بسیاری متأثر از مواضع و اندیشه‌های آنان است.

## کلید واژگان:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان قانون اساسی، اصول اقتصادی، گرایش‌های سوسیالیستی، احزاب چپ‌گرا

\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

lawyerhamidi1990@gmail.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبایی، آستانه علوی (نویسنده مسئول)

lawyerhamidi1990@gmail.com

## مقدمه

پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، نخستین پرسمانی که جامعه سیاسی ایران با آن روبه‌رو شد، چگونگی استقرار، اجرا و انتقال قدرت سیاسی بود که می‌بایست در قانون اساسی نوین آشکار می‌شد. گروه‌ها و کنشگران سیاسی با بهره‌گیری از آزادی گفتار و نوشتاری که در آن روزها فراهم آمده بود، بر آن شدند تا تأثیری هرچه بیشتر بر تدوین قانون اساسی نوین بگذارند. برجسته‌ترین کنشگران سیاسی آن روزگار عبارت بودند از: ملی‌گرایان، اسلام‌گرایان<sup>۱</sup> و چپ‌گرایان.<sup>۲</sup> اگرچه سرنگونی نظام شاهنشاهی خواسته مشترک هر سه گروه بود، بررسی رخدادهای پس از انقلاب، از وجود ناسازگاری چشمگیر در میان آنان حکایت دارد. این ناسازگاری‌ها بیش از هر چیز، خود را در فرایند تدوین تا تصویب قانون اساسی نشان داد.<sup>۳</sup> نقطه اشتراک هواداران سوسیالیسم<sup>۴</sup>، تقدم اجتماع بر فرد و ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه و برابر از حیث اقتصادی است.<sup>۵</sup> از همین رو، دور نیست که چپ‌گرایان ایران در

۱. اسلام‌گرایی به معنای «طرز فکری است که معتقد به ارزش‌ها، احکام و مقررات اصیل اسلامی و لزوم حاکمیت آن‌ها بر جامعه است» شاهدی، مظفر، «دغدغه جریان‌های سیاسی در موضوع جمهوریت و اسلامیت نظام در فرایند تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تاریخ‌نامه انقلاب، سال اول، دفتر اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱، ص ۳۱.

۲. شاهدی، مظفر و محسن بهشتی سرشت، «تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی در آرا و عمل سیاسی حزب توده ایران: از تأسیس نظام جمهوری اسلامی تا برگزاری رفراندوم قانون اساسی»، فصلنامه تاریخ‌نامه انقلاب، سال سوم، دفتر اول تا چهارم، بهار - زمستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۵ و ۶، صص ۴۱-۴۳.

۳. چپ‌گرایان یا جریان چپ، گروه‌ها و افرادی هستند که به نحوی به تقدم جامعه بر فرد اعتقاد دارند و نظارت عمومی را در امر تولید و توزیع ضروری می‌دانند. (نک: شاهدی، مظفر، «دغدغه جریان‌های سیاسی در موضوع جمهوریت و اسلامیت نظام در فرایند تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تاریخ‌نامه انقلاب، سال اول، دفتر اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱، ص ۳۲).

۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، نک: فوران، جان، *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از دوران صفویه تا سال‌های پس از انقلاب*، ترجمه احمد تدین، چاپ دوم، تهران، نشر رسا، ۱۳۸۷، صص ۱۸۳-۱۸۹ و صص ۴۳۸-۴۴۰.

۵. سوسیالیسم بیانگر آن جریان فکری است که باورمند به مالکیت و نظارت جامعه بر وسایل تولید و کار و اداره آن به نفع جامعه است (برای مطالعه بیشتر در این خصوص، نک: آقابخشی، علی و مینو افشاری راد، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: نشر چاپار، چاپ اول، ویرایش ششم، صص ۳۶۶-۳۶۸).

6. Horvat, Branko, *Social ownership, Reader's Guide to the Social Sciences*, edited by Michie, Jonathan, Volume 1. London and New York: Routledge, 2000, pp. 1515-1516.

بحبوحه انقلاب ۱۳۵۷، بیش از هر چیز دیگر بر اصول اقتصادی قانون اساسی متمرکز بوده و همه تلاش خود را مصروف آن کرده باشند.

با عنایت به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر بر آن است تا به پرسش زیر پاسخ گوید:

با توجه به ترکیب مجلس خبرگان قانون اساسی، اندیشه‌های سوسیالیستی بر تدوین و نگارش اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونه اثرگذار بوده است؟  
 نوع پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. روش پژوهش، تلفیقی از بررسی تاریخی و تبیین نظری، با اتکای به شیوه‌رئیایی فرایند<sup>۱</sup> خواهد بود. پژوهش حاضر بر آن است تا با بازخوانی اندیشه‌های چپ‌گرای مؤثر بر تدوین اصول ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی راه را برای فهم بهتر این اصول هموارتر سازد.

## ۱. نگاهی به اصول اقتصاد سیاسی در مکتب سوسیالیسم و تأثیرات آن بر

### چپ‌گرایان ایران

فرهنگ و بستر اقتصاد سیاسی را یکی از رشته‌های علوم اجتماعی تعریف می‌کند که به مسئله رابطه متقابل فرایندهای سیاسی و اقتصادی می‌پردازد. این فرهنگ، اقتصاد سیاسی را در قرن هجدهم رشته‌ای از رشته‌های حکمرانی می‌داند که با هدایت سیاست‌ها به سمت تقویت حکومت و افزایش ثروت جامعه سروکار داشته است.<sup>۲</sup> «مسئله اصلی اقتصاد سیاسی عدالت است... سوسیالیست‌ها عدالت را در توزیع برابر منابع و وظیفه توزیع عدالت را متوجه دولت می‌دانند؛ [از همین رو] دولت فراگیر و حداکثری را پیشنهاد می‌دهند».<sup>۳</sup> باید دانست که سوسیالیسم، یک فلسفه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که طیفی از نظام‌های اقتصادی و اجتماعی را در بر

۱. ردیابی فرایند (process tracing): روش یا تکنیکی است که در آن، تحلیل‌گر تلاش می‌کند، مکانیسم‌های علی را مشخص کند که متغیر تبیین را به یک پیامد پیوند می‌دهد. در این زمینه نک: طالبان، محمدرضا، «تأملی بر تکنیک ردیابی فرایند در مطالعات انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه متین، ۱۳۸۷، شماره ۴۰، ص ۹۵.

۲. چیلکوت، رونالد، *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید بزرگی، تهران: نشر رسا، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۶۰۰.

۳. دارا، جلیل و معزالدین باباخانی، «تحلیلی بر روش‌شناسی نظام‌های اقتصادی-سیاسی با تأکید بر ایران»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال اول، شماره سوم (پیاپی ۳)، پاییز ۱۳۹۷، ص ۹.

می‌گیرد و با مالکیت اجتماعی مشخص می‌شود.<sup>۱</sup> ریشه‌های این جنبش را باید در دشواری‌های اقتصادی میانه‌های سده هجدهم تا سال‌های پایانی آن و درگیری‌های کارگران و اندیشمندان پشتیبان و دغدغه‌مند آنان با سرمایه‌داران جست‌وجو کرد.<sup>۲</sup> در حوزه اقتصاد سیاسی سوسیالیستی، مالکیت اجتماعی می‌تواند عمومی، جمعی یا مشارکتی باشد.<sup>۳</sup> هواداران اقتصاد سیاسی سوسیال توافق چندانی درباره اصول این مکتب ندارند؛ اما به‌طور کلی می‌توان اصول اقتصاد سیاسی سوسیالیستی را به شکل زیر خلاصه کرد:

الف) نظام مالکیت خصوصی باید جای خود را به نظام جامعه کالای ملی بدهد و مالکیت عام جای مالکیت خاص را بگیرد؛

ب) کارکردن، وظیفه عمومی و همگانی است؛ نه اینکه هر کارگر در کارخانه به موجب دستورها و اوامر بالاترین مقام، بر اساس اصل سودمندی اجتماعی کار کند؛

ج) تصمیمات مربوط به تخصیص منابع تولید و توزیع، به‌صورت متمرکز گرفته می‌شود؛

د) دولت در رأس تمام امور اقتصادی است و کلیه مبادلات اقتصادی را دولت انجام می‌دهد.<sup>۴</sup> اقتصاد سیاسی سوسیال تنها به دنبال اجتماعی ساختن تولید است؛ اما کمونیسم هم تولید و هم مصرف را امری اجتماعی می‌داند<sup>۵</sup> و از این نگاه با یکدیگر تفاوت دارند. سوسیالیسم آرام‌آرام به نیرومندترین و فراگیرترین جنبش سکولار سده بیستم میلادی بدل شد<sup>۶</sup> و در میان روشن‌فکران ایرانی نیز گسترش چشمگیری یافت؛ چنانکه نخستین حزب ایرانیان بر بنیاد سوسیالیسم، بنیان‌گذاران حزب «اجتماعیون عامیون» بود<sup>۷</sup> و حزب توده حتی امروز هم خود را

1. Arnold, N. Scott, *The Philosophy and Economics of Market Socialism: A Critical Study*, Oxford University Press, 1988, p. 8

2. Lamb, Peter; Docherty, J. C., *Historical Dictionary of Socialism* (2nd ed.), Lanham: The Scarecrow Press, 2006, p.1.

3. O'Hara, Phillip, *Encyclopedia of Political Economy*, Volume 2, Routledge, 2003, p. 71.

۴. ایسینگ، اتمار، *تاریخ اندیشه‌ها و عقاید اقتصادی*، ترجمه هادی صمدی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، مؤسسه تحقیقات اقتصادی، ۱۳۷۴، ص ۹۶.

5. Steele, David, *From Marx to Mises: Post-Capitalist Society and the Challenge of Economic Calculation*, Open Court Publishing Company, 1992, p. 43.

6. Kurian, George Thomas Kurian, *The Encyclopedia of Political Science*, Washington, D.C: CQ Press, 2011, p. 1554.

۷. آبراهامیان، پرواندا، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۷.

وارث اجتماعیون عامیون می‌داند.<sup>۱</sup> آوازهٔ این مکتب پس از جنبش ۱۹۰۵ روسیه که بر پایهٔ شعارهای ضد استبدادی و خواهان بهبود معیشت کارگران و دهقانان بود، از طریق مهاجران ایرانی قفقاز، آذربایجان و اسلامبول به ایران رسید و در ادامه، جریان سوسیالیسم ایرانی را شکل داد.<sup>۲</sup> سوسیال‌های ایرانی در هر دو طیف مارکسیست و التقاطی<sup>۳</sup> همگی باورمند به ملی ساختن ابزار تولید و مداخلهٔ گستردهٔ دولت در اقتصاد بودند. آن‌ها در آستانهٔ انقلاب ۱۳۵۷ با توجه به نزدیکی خوانش برخی روحانیان نوگرا از عدالت اجتماعی و اقتصادی با ایشان، فرصتی تاریخی برای دستیابی به آرمان‌های خود یافتند.

## ۲. بررسی تأثیر احزاب چپ‌گرا بر تدوین اصول اقتصادی قانون اساسی

### ۲.۱. احزاب و جریان‌های هوادار چپ و سوسیالیسم در آستانهٔ انقلاب ۱۳۵۷

حزب توده و سازمان چریک‌های فدایی خلق مهم‌ترین تشکل‌های سیاسی مارکسیستی در گرماگرم انقلاب ۱۳۵۷ به شمار می‌رفتند. سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر (جناح مارکسیست‌شدهٔ سازمان مجاهدین خلق)، حزب دموکرات کردستان، حزب کومله و سازمان فداییان خلق اقلیت، دیگر جریان‌های سیاسی چپ و مارکسیستی مهم‌تر آن روزگار بودند. گروه‌های التقاطی جریان چپ اگرچه در بنیاد فکری خود از مارکسیسم پیروی نمی‌کردند، در خوانش سیاسی-اقتصادی خود از رخدادهای اجتماعی هوادار سوسیالیسم بودند. از میان این احزاب و گروه‌ها می‌توان به سازمان مجاهدین خلق ایران، جاما (جنبش انقلابی مردم مسلمان

۱. در این خصوص نک: «اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب توده، به مناسبت هفتادوسومین سالگرد تأسیس حزب توده»، نشریهٔ نامهٔ مردم، شمارهٔ ۹۵۶، ۳۱ شهریورماه ۱۳۹۳ منتشره در پایگاه دادهٔ حزب تودهٔ ایران <https://www.tudehpartyiran.org/2013/09/23>

۲. سرپرست سادات، سید ابراهیم، «الگوشناسی و بازشناسی انتقادی مردم‌سالاری نزد جریان سیاسی سوسیالیسم ایرانی دورهٔ پهلوی دوم»، فصلنامهٔ جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال اول، شمارهٔ دوم (پیاپی ۲) تابستان ۱۳۹۷، ص ۹۳.

۳. جریان التقاطی: به احزاب و گروه‌های سیاسی اشاره دارد که «مبانی فکری و رویکرد سیاسی آن‌ها تلفیق و ترکیبی از اسلام‌گرایی و مارکسیسم؛ اسلام‌گرایی و لیبرالیسم یا سوسیالیسم و لیبرالیسم است» (نک به: شاهدی، مظفر و محسن بهشتی سرشت، «تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی در آرا و عمل سیاسی حزب تودهٔ ایران: از تأسیس نظام جمهوری اسلامی تا برگزاری رفراندوم قانون اساسی»، فصلنامهٔ تاریخ‌نامهٔ انقلاب، سال سوم، دفتر اول تا چهارم، بهار - زمستان ۱۳۹۸، شمارهٔ پیاپی ۵ و ۶ ص ۴۲).

ایران / جنبش آزادی‌بخش مردم ایران)، جنبش مسلمانان مبارز، جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی و جنبش برای آزادی (جنبش) اشاره کرد.<sup>۱</sup> همچنین، باید از گروه‌هایی نظیر اتحاد چپ، اتحاد کمونیست‌ها، حزب رنجبران، راه کارگر، سازمان وحدت کمونیستی و کارگران سوسیالیست نام برد.<sup>۲</sup> حزب توده در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت کرد.<sup>۳</sup> مصطفی مدنی، رقیه دانشگری و حشمت‌الله رئیسی کاندیداهای اکثریت چریک‌های فدایی خلق نیز با شعار: «در مجلس خبرگان شرکت می‌کنیم تا هدف خود را با هدف توده‌ها تنظیم کنیم» در انتخابات شرکت کردند.<sup>۴</sup> سازمان پیکار نیز تصمیم گرفت تا برای «افشای ماهیت رژیم» در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کند.<sup>۵</sup> حزب دموکرات کردستان نیز با وجود تحریم همه‌پرسی تعیین نظام، در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت کرد.<sup>۶</sup> سازمان مجاهدین خلق نیز با معرفی نامزدهایی در انتخابات شرکت کرد.<sup>۷</sup> جاما و جنبش مسلمانان مبارز با عرضه سیاهه انتخاباتی و ائتلاف با برخی گروه‌های دیگر اعلام کردند که در انتخابات شرکت خواهند کرد.<sup>۸</sup> اقلیت سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز شرکت در انتخابات مجلس خبرگان را تحریم کردند.<sup>۹</sup>

۱. نک به: شاهدی و بهشتی سرشت، پیشین، ص ۴۲.

۲. قلفی، محمد وحید، *مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶، ص ۲۲۳.

۳. حزب توده ایران، *اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران از شهریور ۵۷ تا اسفند ۱۳۵۸*، تهران: نشر حزب توده ایران، چاپ اول، ۱۳۵۹، صص ۱۴۹-۱۵۲.

۴. بی‌نام، *گزارش شرکت کاندیداهای اکثریت چریک‌های فداییان خلق*، روزنامه بامداد، شماره ۹۴، سوم مرداد ۱۳۵۸، ص ۳.

۵. شاهدی، مظفر، «دغدغه جریان‌های سیاسی در موضوع جمهوریت و اسلامیت نظام در فرایند تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تاریخ‌نامه انقلاب، سال اول، دفتر اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱، ص ۴۱.

۶. بهروز، مازیار، *سورث‌سیان آرمان‌خواه، ناکامی چپ در ایران*، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ یکم، ۱۳۸۰، صص ۱۲۶ و ۱۸۷-۱۸۹.

۷. در این خصوص نک: «بیانیه سازمان مجاهدین خلق ایران در خصوص مجلس خبرگان قانون اساسی»، نشریه مجاهد، شماره ۲، هشتم مرداد ۱۳۵۸، ص ۵.

۸. در این خصوص نک: «بیانیه جنبش مسلمانان مبارز درباره انتخابات مجلس خبرگان»، نشریه امت، شماره ۱۷، هفدهم مردادماه ۱۳۵۸، صص ۱ و ۳ و ۷.

۹. بی‌نام، «گزارش شرکت کاندیداهای اکثریت چریک‌های فداییان خلق»، روزنامه بامداد، شماره ۹۴، سوم مرداد، ۱۳۵۸، ص ۳.

پس از اعلام نتایج انتخابات، ترکیب مجلس به خوبی نشان می‌داد که احزاب چپ و هواداران سوسیالیسم نخواهند توانست بر تصویب قانون اساسی آن‌چنان که دلخواه ایشان است، مؤثر باشند.<sup>۱</sup> لہذا، برخی همچون حزب توده و سازمان مجاهدین خلق به ارائه پیشنهادهایی جهت تصویب اصول مد نظر خود روی آوردند. برخی دیگر به بررسی متن پیش‌نویس یا متن اصول تصویب‌شده و گزارش روند تصویب اصول مزبور قناعت ورزیدند و گروهی دیگر از جمله اکثریت سازمان چریک‌های فدایی خلق و حزب دموکرات کردستان به کلی خود را از جریان تصویب قانون اساسی کنار کشیدند و به مخالفت با جریان غالب پرداختند.<sup>۲</sup> از میان گروه‌های یادشده، حزب توده، اتحادیه کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان و سازمان مجاهدین خلق توانستند تأثیراتی ژرف بر برخی اصول اقتصادی قانون اساسی نوین بگذارند. بررسی مواضع این سه گروه در یادداشت‌ها، بیانیه‌ها و گزارش‌های نشریات هوادار آنان به خوبی این مدعا را استوار می‌سازد.

## ۲.۲. مواضع حزب توده

حزب توده، در آستانه انقلاب ۱۳۵۷ با گفتمانی که پیش‌تر از سوی کسانی چون علی شریعتی در میان اسلام‌گرایان رواج یافته بود، تا اندازه‌ای خود را هم‌سو با ایشان می‌یافت. شریعتی با بهره‌گیری از واژگان سوسیالیستی مانند بهره‌کشی طبقاتی، مبارزه طبقاتی، جامعه بی‌طبقه، امپریالیسم و ... تلاش می‌کرد میان این واژگان با آموزه‌های شیعی و شخصیت‌های تاریخی تشیع پیوند و شباهت‌های ایدئولوژیک برقرار سازد.<sup>۳</sup> این حزب در دوران انقلاب ۱۳۵۷ از رهبری روح‌الله خمینی پشتیبانی کرد<sup>۴</sup> و در هنگامه انتشار پیش‌نویس قانون اساسی با انتشار نامه‌ای موافقت خود را با کلیت متن پیشنهادی مزبور اعلام داشت. در این نامه آمده است: «کمیته مرکزی حزب توده ایران خرسند است مقدمتاً به استحضار برساند که پیش‌نویس طرح قانون اساسی آن‌چنان که در مطبوعات انتشار یافته، در خطوط کلی خود خواسته‌های مشروع و حقه ملت ایران را منعکس می‌سازد و از این جهت، مورد تأیید کمیته مرکزی حزب ما قرار گرفته

۱. شاهی، مظفر، پیشین، ص ۴۳.

۲. برای کسب اطلاع بیشتر در این خصوص رک: قلفی، پیشین، صص ۳۰۸-۳۱۷.

۳. تاجیک، احسان، «شریعتی و چپ ایدئولوژیک»، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۴، ص ۸۸.

۴. شاهی، مظفر و محسن بهشتی سرشت، پیشین، ص ۵۶.

است.<sup>۱</sup> در پیوست همین نامه، حزب توده پیشنهادهایی را جهت اصلاح قانون اساسی بر محور مسائلی همچون نظام اقتصادی، اصول سیاست خارجی، حق حاکمیت و قوای ملی، حقوق زنان، انتخاب نمایندگان، حق بر داشتن شغل و النهایه منع شکنجه ارائه می‌دهد. بررسی مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نشان می‌دهد در تمام این موارد پیشنهادهای حزب توده به نحو غیررسمی و ضمنی مورد توجه قانون‌گذاران اساسی قرار گرفت؛ لیکن در بخش اقتصادی، اصول اقتصادی و به‌ویژه اصل چهل و چهارم تا حد زیادی تحت تأثیر طرح مد نظر حزب توده بود.

در نامه یادشده درباره اصول اقتصادی آمده است: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و برنامه‌ریزی منظم دولتی قرار دارد... بخش دولتی کلیه رشته‌های صنایع کلیدی و مادر، بانکداری، بیمه و بازرگانی خارجی، منابع زیرزمینی و دریایی کشور، وسایل تولید نیرو، سدها، شبکه‌های عمومی تأمین آب و آبیاری، راه‌آهن، راه‌ها، هواپیمایی و کشتیرانی و وسایل ارتباطی، مؤسسات بزرگ کشاورزی و دام‌پروری، جنگل‌ها، مراتع عمومی و زمین‌های خالصه‌ای را که هنوز میان دهقانان تقسیم نشده است، به صورت مالکیت عموم خلق در دست دولت متمرکز می‌کند ... بخش خصوصی آن رشته‌هایی از صنعت، کشاورزی و بازرگانی و به‌طور کلی آن قسمت از فعالیت‌های اقتصاد کشور را که طبق قوانین در عداد فعالیت بخش دولتی و تعاونی اقتصاد قرار نگرفته است، در بر می‌گیرد ... مالکیت در بخش خصوصی اقتصاد، تا آنجا که موجب تحکیم و تقویت استقلال و موجب رشد و پیشرفت اقتصادی کشور و برآوردن نیازمندی‌های مصرفی و خدماتی مردم است و طبق قوانین و نقشه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد، از حمایت قانونی برخوردار است.»<sup>۲</sup> نکته آنجاست که در متن پیش‌نویس چنین اصلی وجود نداشت.<sup>۳</sup> در واپسین دقایق جلسه پنجاه و پنجم، اصلی با شماره ۱۲۷/۴ به‌وسیله سید محمد بهشتی، نایب‌رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی و روحانی، نوگرای وابسته به حزب جمهوری اسلامی خوانده شد که محتوای آن چنین بود: «نظام اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر سه بخش استوار است: دولتی، تعاونی و خصوصی. قلمرو و ضوابط هر

۱. حزب توده ایران، پیشین، ص ۱۳۶.

۲. همان، صص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۳. برای مشاهده متن پیش‌نویس رک: مجلس شورای اسلامی، *راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی*، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸، صص ۵-۲۱.



یک را قانون مشخص می‌کند.<sup>۱</sup> پس از قرائت اصل، سید حبیب هاشمی نژاد<sup>۲</sup> در مقام مخالف سخن گفت که کاربرد واژگانی نظیر استعمار، بافت سرمایه‌داری کشور و لزوم تحدید مالکیت شرکت‌های تعاونی از جانب او نشان می‌دهد علی‌رغم تأکیدش بر احترام به مالکیت خصوصی، متأثر از اندیشه‌های سوسیالیستی بوده است.<sup>۳</sup> در جلسه پنجاه و ششم، بهشتی متن جدیدی بدین شرح قرائت کرد: «نظام اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی صحیح و منظم استوار است:

۱. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ و مادر و معادن بزرگ و فعالیت‌های بزرگ کشاورزی و دامداری و تجارت خارجی، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو و آب‌رسانی و وسایل و خطوط ارتباطی و مانند آن می‌شود که به صورت مالکیت عمومی در دست دولت متمرکز است.
  ۲. بخش تعاونی شامل تعاونی‌های تولید و توزیع می‌شود. دولت نسبت به انفال و ثروت‌های عمومی مذکور در اصل ..... حتی‌المقدور به صورت تعاونی عمل می‌کند.
  ۳. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. این بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و سبب ضرر و زیان اقتصادی جامعه نشود، تحت حمایت قانونی جمهوری اسلامی می‌شود.
- تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.<sup>۴</sup>
- هویداست که در این اصل، خطوط کلی پیشنهادهای حزب توده مد نظر بوده است. در ضمن، بحث درباره متن فوق موسوی تبریزی<sup>۵</sup> علی‌رغم آنکه نظام اقتصادی حکومت پیشین و اختلاف

۱. مجلس شورای اسلامی، **صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی**، جلد سوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۵۲۳.

۲. سید حبیب (عبدالکریم) هاشمی نژاد، دارای درجه اجتهاد، عضو [کار] گروه قوه مقننه، منتخب حوزه انتخابیه مازندران (مجلس شورای اسلامی)، **راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی**، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۴۰۴.

۳. مجلس شورای اسلامی، پیشین، صص ۱۵۲۳ و ۱۵۲۴.

۴. همان، ص ۱۵۳۲.

۵. میر ابوالفضل موسوی تبریزی، خارج فقه و اصول، عضو [کار] گروه حقوق ملت و نظارت عمومی، منتخب حوزه انتخابیه آذربایجان شرقی (مجلس شورای اسلامی)، **راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس** ←

طبقاتی را نکوهش می‌کند، به دلیل احترام نگذاشتن به مالکیت خصوصی با متن مخالفت می‌کند. در میانه سخنان وی علی مراد تهرانی<sup>۱</sup> از او می‌خواهد دلایل مخالفت با نظام اقتصادی مطروحه در اصل را به اسلام نسبت ندهد.<sup>۲</sup> مخالفت برخی از روحانیون سنتی با این نوع گفتمان در مجلس خبرگان قانون اساسی نشان می‌دهد که ایشان، بن‌مایه فکری مطرح‌کنندگان این مباحث را نه اسلام، بلکه ادبیات چپ‌گرا می‌دانستند. فی‌الواقع هنگام گفت‌وگو درباره اصول اقتصادی، صف عالمان دینی سنت‌گرا از عالمان دینی نوگرا جدا شد و نوگرایان غیرروحانی متحد عملی نوگرایان روحانی قرار گرفتند.<sup>۳</sup> در پاسخ به موسوی تبریزی، بهشتی گفت که در تنظیم آن دخالتی نداشته و گروهی دیگر صبح روز نشست آن را تنظیم کرده‌اند. وی از نام‌هایی چون منتظری<sup>۴</sup>، عضدی<sup>۵</sup>، موسوی تبریزی، یزدی<sup>۶</sup>، رشیدیان<sup>۷</sup>، دانش راد<sup>۸</sup>، ربانی املشی<sup>۹</sup>، موسوی

→ **بررسی نهایی قانون اساسی**، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۳۹۷.

۱. علی مراد تهرانی، دارای درجه اجتهاد، عضو [کار] گروه مسائل اقتصادی و مالی، منتخب حوزه خراسان (همان، ص ۳۴۶).

۲. مجلس شورای اسلامی، **صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی**، جلد سوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، صص ۱۵۲۴-۱۵۳۴.

۳. قلفی، محمد وحید، پیشین، ص ۷۱۵.

۴. حسینعلی منتظری نجف‌آبادی، رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی، عضو شورای انقلاب، عضو [کار] گروه مقننه، دارای درجه اجتهاد، منتخب حوزه انتخابیه تهران (**راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی**)، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۳۹۵.

۵. حسن عضدی، کارشناس روزنامه‌نگاری، کارشناس ارشد مدیریت بین‌الملل، دکترای اقتصاد و مدیریت، عضو [کار] گروه مسائل اقتصادی و مالی، منتخب حوزه انتخابیه گیلان (همان، ص ۳۷۷).

۶. محمد یزدی، دارای درجه اجتهاد، عضو [کار] گروه قوه مقننه، منتخب حوزه انتخابیه باختران (کرمانشاه) (همان، ص ۴۰۵).

۷. محمد رشیدیان، کارشناس علوم اجتماعی، عضو [کار] گروه قوه مقننه، منتخب حوزه انتخابیه خوزستان (همان، ص ۳۶۲).

۸. عزیز دانش راد (کیائی)، کارشناس ارشد مهندسی برق، عضو [کار] گروه حقوق ملت و نظارت عمومی، نماینده اقلیت کلیمیان (همان، ص ۳۵۷).

۹. محمدمهدی ربانی املشی، دارای درجه اجتهاد، عضو [کار] گروه قوه قضائیه، منتخب حوزه انتخابیه گیلان (همان، ص ۳۵۹).

زنجانی<sup>۱</sup>، موسوی جزایری<sup>۲</sup>، اشراقی<sup>۳</sup>، حسینی هاشمی<sup>۴</sup>، خامنه‌ای<sup>۵</sup>، مکارم<sup>۶</sup>، حجتی<sup>۷</sup>، کیاوش<sup>۸</sup> و اکرمی<sup>۹</sup> به مثابه کسانی که صبح روز همان جلسه درباره اصل بحث کرده‌اند (و شاید مطرح‌کنندگان آن) نام می‌برد. بررسی ادبیات نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی به خوبی نشان‌دهنده تأثیرات افکار سوسیالیستی بر آن‌هاست. برای مثال، عضدی معتقد است که مالکیت خصوصی در اسلام وجود ندارد و می‌گوید: «اینجا باید خدامالکی بیاید» و نیز در همان نطق از اداره شورایی واحدهای صنعتی و تولیدی سخن می‌گوید؛<sup>۱۰</sup> یا زمانی که اشراقی مالکیت را در اسلام نامحدود می‌داند، هاشمی‌نژاد به او تذکر می‌دهد که مالکیت در اسلام محدود است.<sup>۱۱</sup> حجتی کرمانی نیز پیشنهاد می‌کند که اصل بعدی چنین باشد: «سرمایه‌داری و فتوادلیسم در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی محکوم است.»<sup>۱۲</sup> دانش‌راد نیز خواهان آن است که به‌جای عبارت «آب‌رسانی» عبارت «سدها و شبکه‌های عمومی تأمین آب و آبیاری» در متن اصل

۱. سید اسماعیل موسوی زنجانی، دارای درجه اجتهاد، عضو [کار] گروه مقننه، منتخب حوزه انتخابیه زنجان (همان، ص ۳۹۹).
۲. سید محمدعلی موسوی جزایری، دارای درجه اجتهاد، عضو [کار] گروه مسائل اقتصادی و مالی، منتخب حوزه انتخابیه خوزستان (همان، ص ۳۹۸).
۳. جعفر اشراقی (افروغ)، دارای درجه اجتهاد، عضو [کار] گروه دین، تاریخ، زبان، خط، پرچم و ...، منتخب حوزه انتخابیه آذربایجان شرقی (همان، ص ۳۳۵).
۴. سید منیرالدین حسینی الهاشمی، دارای درجه اجتهاد، عضو [کار] گروه مسائل اقتصادی و مالی، منتخب حوزه انتخابیه فارس (همان، ص ۳۵۱).
۵. سید محمد حسینی خامنه‌ای، دارای درجه اجتهاد، عضو [کار] گروه قوه قضائیه، منتخب حوزه انتخابیه خراسان (همان، ص ۳۵۵).
۶. ناصر مکارم شیرازی، دارای درجه اجتهاد، عضو [کار] گروه دین، تاریخ، زبان، خط، پرچم و ...، منتخب حوزه انتخابیه فارس (همان، ص ۳۹۳).
۷. محمدجواد حجتی کرمانی، دارای درجه اجتهاد، عضو [کار] گروه حقوق ملت و نظارت عمومی، منتخب حوزه انتخابیه کرمان (همان، ص ۳۵۰).
۸. سید محمد کیاوش، کارشناس ادبیات، عضو [کار] گروه دین، تاریخ، زبان، خط، پرچم و ...، منتخب حوزه انتخابیه خوزستان (همان، ص ۳۸۶).
۹. سیدمحمد اکرمی، کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، عضو [کار] گروه دین، تاریخ، زبان، خط، پرچم و ...، منتخب حوزه انتخابیه همدان (همان، ص ۳۳۶).
۱۰. مجلس شورای اسلامی، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی*، جلد سوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ص ۱۵۳۶.
۱۱. همان، ص ۱۵۴۰.
۱۲. همان، ص ۱۵۴۸.

گنجانده شود که عین عبارتی است که در نامه سران حزب توده آمده است.<sup>۱</sup> یکی از نکات درخور توجه حین مذاکرات راجع به این اصل تذکر صریح اشرافی به سایر نمایندگان است که تحت تأثیر دیگران قرار نگیرند و مسئله مالکیت را محترم بشمارند.<sup>۲</sup> پرواضح است دیگرانی که او نام می‌برد، کسانی هستند که بنا بر گفته او با دیدن چند حدیث در کتب اخلاق اسلامی گمان می‌برند مالکیت در اسلام محدود است؛ حال آنکه تحدید و حتی رد مالکیت خصوصی از بنیادی‌ترین اصول تفکرات سوسیالیستی است. هاشمی‌نژاد و یکی دیگر از نمایندگان نیز تذکر می‌دهند که مالکیت در اسلام محدود است.<sup>۳</sup> اگرچه هاشمی‌نژاد و مکارم هر دو فلسفه نگارش این اصل را وضع اقتصاد اسلامی دانسته‌اند که نه کاپیتالیستی و نه سوسیالیستی است،<sup>۴</sup> تأثیر نامه سران حزب توده در نحوه نگارش این اصل و تأکید بر ملی شدن مظاهر بزرگ اقتصاد و تولید، تحدید مالکیت، اداره شورایی کارگاه‌ها که همگی ریشه در سوسیالیسم دارد، انکارناشدنی است. پیشنهاد حزب توده مبنی بر ملی اعلام کردن جنگل‌ها، مراتع و زمین‌های تقسیم‌نشده در اصل چهل‌وپنجم مورد توجه و تصویب خبرگان قرار گرفت.<sup>۵</sup>

در بخشی دیگر از نامه سران حزب توده درباره حق بر داشتن کار آمده است: «هر یک از افراد کشور حق کارکردن دارند و این حق باید به وسیله دولت تأمین شود.»<sup>۶</sup> همانند این پیشنهاد در پیش‌نویس قانون اساسی تحت عنوان اصل ۳۲ به این شرح مطرح شده بود: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند.»<sup>۷</sup> در ذیل مباحث مربوط به این اصل مقدم مراغه‌ای می‌گوید: «باید علیه ظلم و تبعیض به نفع مستضعفین تصمیم بگیریم... کار

۱. همان، ص ۱۵۱۷.

۲. همان، ص ۱۵۱۷.

۳. همان، ص ۱۵۴۰.

۴. همان، صص ۱۵۳۲ و ۱۵۴۶.

۵. ورعی، سیدجواد، *مبانی و مستندات قانون اساسی*، تهران: نشر دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۶، ص ۳۳۱.

۶. حزب توده ایران، پیشین، ص ۱۴۰.

۷. مجلس شورای اسلامی، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی*، جلد اول، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۷۳۱.

حق و تکلیف هر ایرانی است.<sup>۱</sup> پیش از این گفته شد که باورمندان سوسیالیسم کار را وظیفه‌ای همگانی می‌دانند و تأکید بر کار به مثابه حق و تکلیف، تمایل نمایندگان به‌گونه‌ای سوسیالیسم اسلامی را هویدا می‌سازد. دربارهٔ حق آموزش نیز در نامهٔ حزب آمده: «همهٔ افراد کشور حق آموختن دارند. آموزش مجانی است و در حدودی که قانون معین می‌کند، اجباری است. جمهوری اسلامی ایران حق آموزش برابر را برای همگان تأمین می‌کند و امکان دسترسی همه را به آموزش و پرورش، آموزش حرفه‌ای و فرهنگ سازمان می‌دهد.»<sup>۲</sup> در جریان مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، اصلی با شمارهٔ ۴۶ قرائت شد که به موضوع آموزش به شرح ذیل پرداخته بود: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همهٔ ملت تا پایان دورهٔ متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.»<sup>۳</sup> پس از قرائت، مقدم مراغه‌ای پیشنهادی مبنی بر اضافه کردن لفظ «حرفه‌ای» به واژهٔ دیپلم ارائه کرد.<sup>۴</sup> حین مذاکرات نیز گلزاده<sup>۵</sup> غفوری این مسئله را یادآور شد که: «اگر ما بخواهیم در مملکت خودمان بی‌سوادی از بین برود، فرع بر این است که علاوه بر رایگان باید الزامی باشد.»<sup>۶</sup> اگر می‌نمودند نیز درخواست اجباری کردن آموزش را داشت که این پیشنهاد با مخالفت بهشتی روبه‌رو شد.<sup>۷</sup> این دو پیشنهاد (افزودن لفظ حرفه‌ای به نص اصل و الزامی کردن آموزش)، به‌خوبی تأثیر متن پیشنهادی حزب توده را بر نمایندگان نشان می‌دهد. در پایان، پیشنهاد حزب توده با تغییراتی به نحو مقرر در اصل ۳۰ کنونی قانون اساسی گنجانیده شد. دربارهٔ حق بر مسکن نیز حزب توده پیشنهادی به این شرح در نامهٔ مزبور به دولت موقت تقدیم کرد: «داشتن یک مسکن مناسب برای زندگی حق طبیعی افراد کشور است. دولت وظیفه دارد که برای تحقق این امر

۱. همان، ص ۷۳۳.

۲. حزب تودهٔ ایران، پیشین، ص ۱۴۱.

۳. مجلس شورای اسلامی، پیشین، ص ۷۸۷.

۴. همان، ص ۷۸۸.

۵. احمد گلزاده غفوری، دارای درجهٔ اجتهاد، دکترای حقوق قضایی، عضو [کار] گروه قوهٔ قضائیه، منتخب حوزهٔ انتخابیهٔ تهران (مجلس شورای اسلامی، راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تهران: ادارهٔ کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۳۹۰).

۶. مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد اول، تهران: ادارهٔ کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۷۸۸.

۷. همان، ص ۷۸۹.

تدابیر مقتضی اتخاذ کند و بر اساس اولویت زحمت‌کشان روستایی و شهری، تدریجاً طبق نقشهٔ سنجیده‌ای، برخورداری همهٔ افراد را از این حق فراهم سازد.<sup>۱</sup> این پیشنهاد نیز همانند اصل ۴۴ در پیش‌نویس وجود نداشت و می‌توان طرح و تصویب آن را نیز ناشی از تأثیر نامهٔ سران حزب توده دانست. بهشتی با قرائت اصلی بدین مضمون: «داشتن مسکن مطابق نیاز برای سکونت حق هر خانوادهٔ ایرانی است. دولت موظف است با اولویت‌دادن به روستائینان و کارگران و سایر قشرهای کم‌درآمد این اصل را اجرا کند»<sup>۲</sup> طرح بحث کرد و پس از مباحثاتی، با تغییری اندک در متن فعلی اصل ۳۱ قانون اساسی درج شد و نظر حزب توده در این خصوص نیز تأمین شد. پس از تصویب قانون اساسی در مجلس خبرگان، حزب توده با وجود برخی انتقادات از اصول مصوب قانون اساسی، در رفراندوم قانون اساسی شرکت کرد و به آن رأی مثبت داد.<sup>۳</sup>

### ۲.۳. مواضع هفته‌نامهٔ اتحاد کارگران دهقانان و زحمت‌کشان ایران

یکی از گروه‌هایی که نقش ایشان در پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ انکارناشدنی است، کارگران هستند. این طبقهٔ اجتماعی با سازمان‌دهی اعتصابات گسترده کمک شایانی به پیشبرد آرمان انقلاب و ناکارآمدسازی سامان دیوانی نظام شاهنشاهی کرد.<sup>۴</sup> هفت اعتصاب صنعتی بزرگ که به دست کارگران سازمان‌دهی شد، زمام کار را از دست زمامداران پهلوی به در برد.<sup>۵</sup> با توجه به نقشی چنین گسترده، دور نیست که از یک‌سو کارگران برای خود حقی در جهت تدوین قانون اساسی کشور قائل شوند و از سوی دیگر، نو زمامداران جمهوری اسلامی در پی جلب نظر آنان برآیند.

از حدود مردادماه ۱۳۵۸ هفته‌نامه‌ای با نام «اتحاد کارگران، زحمت‌کشان و دهقانان» منتشر می‌شد که خاستگاه آن چندان روشن نیست. اگرچه حزب توده نهاد سندیکایی کارگران هوادار خود را ذیل عنوان «شورای متحدهٔ مرکزی اتحاد کارگران و زحمت‌کشان ایران» سازمان داده بود،<sup>۶</sup> از آنجا که ارگان مطبوعاتی نهاد یادشده نشریات «ظفر» و «بشر» بودند،<sup>۷</sup> در انتساب نشریهٔ

۱. حزب تودهٔ ایران، پیشین، ص ۱۴۱.

۲. مجلس شورای اسلامی، پیشین، ص ۷۸۱.

۳. شاهدی و بهشتی سرشت، پیشین، ص ۵۸.

۴. قلفی، محمد وحید، پیشین، ص ۷۶.

۵. برای کسب اطلاع بیشتر در این زمینه، نک: آبراهامیان، یرواند، پیشین، صص ۶۲۹-۶۳۸.

6. Ladjevardi, Habib, **Labor Unions and Autocracy in Iran**, Contemporary issues in the Middle East, Syracuse, N.Y.: Syracuse University Press, 1985. p. 47.

7. Halliday, Fred, **Trade Unions and the Working Class Opposition**, in MERIP Reports, No. 71 (Oct., 1978), pp. 7-13.

اتحاد کارگران، زحمت‌کشان و دهقانان بدان جای تردید است. نشریه یادشده در یادداشتی درباره لزوم تبیین اصول حاکم بر اقتصاد ایران آورده است: «سیستم اقتصادی پایه نظام سیاسی و اجتماعی است. بدون یک سیستم اقتصادی سالم که منافع اکثریت افراد جامعه، یعنی زحمت‌کشان را برآورده کند، ایجاد نظام اجتماعی و سیاسی سالم و مترقی ناممکن است. به همین دلیل باید در قانون اساسی آینده جمهوری اسلامی ایران، خطوط اصلی نظام اقتصادی کشور دقیقاً معلوم شود.»<sup>۱</sup> همانند چنین استدلالی در رایزنی‌های مجلس خبرگان قانون اساسی نیز به چشم می‌خورد. زمانی که بهشتی مخالفت خود را با تبیین نظام اقتصادی در قانون اساسی اعلام می‌کند و به موسوی تبریزی می‌گوید: «...از کسانی که متن اصل ۴۴ کنونی را تنظیم کرده‌اند، توضیح بخواهید. بنده فکر می‌کردم اصلاً احتیاجی به این اصل نیست...» موسوی تبریزی نیز در پاسخ به او می‌گوید: «... نظام اقتصاد اسلامی را باید معین بکنیم...»<sup>۲</sup> همچنین، یادداشت مزبور بایسته‌های کلی حاکم بر اقتصاد ایران را چنین تبیین می‌کند:

۱. عدم وابستگی اقتصادی، صنایع و کشاورزی مملکت به سرمایه‌های امپریالیستی.
۲. ملی اعلام کردن همه رشته‌های صنایع بزرگ و کلیدی که در اقتصاد کشور نقش محور حرکت اقتصادی را بازی می‌کنند.
۳. ملی اعلام کردن همه منابع طبیعی کشور مانند معادن، آب‌ها، جنگل‌ها، مراتع و زمین‌هایی که در مالکیت دهقانان نیست.
۴. ملی اعلام کردن همه رشته‌های عمده خدمات حمل‌ونقل، وسایل ارتباطی و نیروگاه‌ها.
۵. کمک به تشکیل تعاونی‌ها، به خصوص شرکت‌های تعاونی زراعتی بر پایه شرکت داوطلبانه دهقانان و دادن همه‌گونه کمک علمی و فنی برای صنعتی کردن کشاورزی و شکوفایی آن به نفع دهقانان و به نفع همه جامعه.
۶. تعیین حدود مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و سهم آن در بازرگانی و خدمات و کمک به سرمایه‌های ملی و غیر وابسته به امپریالیسم، برای شرکت فعال در شکوفاکردن اقتصاد

۱. بی‌نام، **زحمت‌کشان و قانون اساسی**، هفته‌نامه اتحاد کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان، سال اول، شماره ۱۷، ۹ تیر ۱۳۵۸، ص ۱.

۲. مجلس شورای اسلامی، **صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی**، جلد سوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ص ۱۵۳۴.

کشور، ولی به نحوی که به گول‌های اقتصادی برای به دست گرفتن اهرم‌های قدرت سیاسی بدل نشوند.<sup>۱</sup>

همانند چنین پیشنهادی در اصل هشتم پیش‌نویس گنجانیده شده بود و پس از مباحثاتی به‌صورت اصل چهل‌وسوم قانون اساسی کنونی به تصویب رسید. در جای‌جای مذاکرات مربوط به این اصل ردپای اندیشه‌های چپ‌گرا در سخنان نمایندگان به‌خوبی هویدا است؛ چنان‌که برای مثال گلزاده غفوری اقتصاد را مقدمه آزادی انسان می‌داند<sup>۲</sup> یا پرورش از شکستن کمر سرمایه‌داری سخن می‌گوید.<sup>۳</sup> همچنین مسئله عدم وابستگی اقتصادی، صنایع و کشاورزی مملکت به سرمایه‌های امپریالیستی که در این یادداشت بر آن تأکید شده است، پس از پیشنهاد یکی از نمایندگان مبنی بر افزودن عبارت «جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانگان بر کشور» در بند هشتم اصل ۴۳ کنونی با ادبیاتی متفاوت درج شد.<sup>۴</sup>

نشریه اتحاد کارگران در تشریح پیشنهاد خود درباره اصول اقتصادی قانون اساسی و معرفی سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی عبارتی بیان می‌کند که بخش زیادی از آن در اصل ۴۴ قانون اساسی به تصویب می‌رسد. عبارت مزبور از قرار ذیل است: «... برای این منظور بخش دولتی یا بهتر بگوییم همه خلقی با کوتاه‌کردن دست انحصارات امپریالیستی و سرمایه‌داران وابسته از تمام رشته‌ها، رشته‌های حیاتی اقتصاد و منابع طبیعی (معادن و منابع زیرزمینی، جنگل‌ها، آب‌ها، کلیه رشته‌های صنایع کلیدی مادر، بانکداری، بیمه، بازرگانی خارجی، وسایل تولید نیرو، سدها، شبکه‌های عمومی تأمین آب و آبیاری، راه‌آهن، مؤسسات بزرگ کشاورزی و دام‌پروری) را در دست خود متمرکز کنند.»<sup>۵</sup> در تدوین اصل ۴۴، اثر این یادداشت به نحو شگفتی برجسته شده و همه منابع طبیعی از معادن، آب‌ها، جنگل‌ها، مراتع و زمین‌هایی که در مالکیت دهقانان نیست و نیز رشته‌های عمده خدمات حمل‌ونقل، وسایل ارتباطی مانند پست و تلگراف و

۱. بی‌نام، **زحمت‌کشان و پیش‌نویس قانون اساسی**، هفته‌نامه اتحاد کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان، سال اول، شماره ۱۷، ۹ تیر ۱۳۵۸، ص ۳.
۲. مجلس شورای اسلامی، پیشین، ص ۱۴۵۱.
۳. همان، ص ۱۴۵۲.
۴. ورعی، سیدجواد، **مبانی و مستندات قانون اساسی**، تهران: نشر دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۶، ص ۳۲۴.
۵. بی‌نام، **در پیش‌نویس قانون اساسی به نظام اقتصادی توجه شده است؟**، هفته‌نامه اتحاد کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان، سال اول، شماره ۲۶، دوازدهم شهریور ۱۳۵۸، ص ۲.



تلفن در قانون اساسی ملی اعلام شد. نکته آنجاست که همانند چنین استدلالی از سوی ربانی شیرازی<sup>۱</sup> طرح شده است و وی راهکار پیشگیری از انحصار، احتکار، تمرکز ثروت و... را دولتی کردن اقتصاد و سپردن انفال عمومی به دولت می‌داند.<sup>۲</sup> در ضمن مذاکرات مربوط به اصل ۴۴ نیز عضدی جهت تعیین مصادیق اموری که می‌بایست ملی اعلام شوند، می‌گوید: «در اینجا باید بازرگانی دولتی بیاید... بهره‌برداری از منابع طبیعی زمین، آب و فضا... جنگل‌ها، مراتع عمومی، وسایل ارتباطی و ارتباط جمعی، کشتی‌رانی، هواپیمایی و راه‌آهن حتماً باید در بخش دولتی ذکر شود.» او همچنین به لفظ «صنایع بزرگ» ایراد می‌گیرد و به جای آن لفظ صنایع مادر یا اساسی را پیشنهاد می‌کند.<sup>۳</sup> این امر نشان می‌دهد که تأثیر این دست یادداشت‌ها بر الفاظ قانون اساسی انکارناشدنی است؛ چراکه در یادداشت‌های مزبور عیناً از واژگان «صنایع بزرگ» و «صنایع مادر» استفاده شده که هر دو در صدر اصل ۴۴ به کار رفته است. در متن یادداشت دوم، ملی کردن مؤسسات بزرگ کشاورزی و دام‌پروری تصریح شده که در متن اصل پیشنهادی نیز بدان اشاره شده بود؛ اما پس از مباحثات نمایندگان این دو عبارت از متن اصل حذف شد.<sup>۴</sup>

#### ۲.۴. مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران

مجاهدین خلق نیز اگرچه در آغاز در شمار گروه‌های ناسازگار با گفتمان غالب روزهای نخستین انقلاب ۱۳۵۷ بودند، در زمان تدوین قانون اساسی کوشیدند با ارائه پیشنهادهایی به ویژه در زمینه اقتصاد و حقوق اقتصادی تأثیرگذار باشند. سران مجاهدین در ضمن اعلامیه‌هایی که در نشریات آن روزگار و نیز ارگان مجاهدین خلق انتشار یافت، نظرات خود را درباره حقوق ملیت‌ها، سیاست خارجی، ارتش، کارگران و دهقانان، بازار ملی و حقوق زن اعلام کردند که بازتاب بسیار گسترده‌ای در فضای مطبوعاتی آن روزگار داشت. نقطه‌نظرات اقتصادی مجاهدین

۱. عبدالرحیم ربانی شیرازی، دارای درجه اجتهاد عضو [کار] گروه اصول کلی و اهداف قانون اساسی، منتخب حوزه انتخابیه فارس (مجلس شورای اسلامی)، *راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی*، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۳۶۰.

۲. ورعی، سیدجواد، پیشین، ص ۳۲۷.

۳. مجلس شورای اسلامی، پیشین، ص ۱۵۳۶.

۴. برای مطالعه رایزنی نمایندگان در این باره نک: همان، صص ۱۵۳۲-۱۵۳۴.

در این اعلامیه‌ها بیانگر تأثر افراطی ایشان از سوسیالیسمی ملتقط با اندیشه‌های اسلامی است که گاه به افراط می‌گراید. چنان‌که در اعلامیه‌ای که مجاهدین دربارهٔ قانون اساسی منتشر کرده بودند، دسترنج کارگران را بهره‌دهان ایشان دانسته و باور داشتند محصول از آن کسی است که روی زمین کار کرده، اگرچه غاصب باشد.<sup>۱</sup> این سازمان در همان اعلامیه بیان می‌کند که دولت جمهوری اسلامی موظف است به پشتوانهٔ درآمد ملی نفت، آموزش، بهداشت، مسکن و بیمه همهٔ مردم را به‌طور مساوی (در درجهٔ اول مستضعفین)<sup>۲</sup> تأمین کند. سران و نامزدهای سازمان نیز در یک گفت‌وگوی رسانه‌ای که در نهم مرداد ۱۳۵۸ انجام گرفت، به بیان نقطه‌نظرات خود دربارهٔ قانون اساسی پرداختند. در آن گفت‌وگو نیز مسعود رجوی، خواست مجاهدین را سپردن زمین به کسی که روی آن کار می‌کند، آموزش و پرورش رایگان، بهداشت ملی، لزوم به رسمیت شناختن هشت ساعت کار برای کارگران، به رسمیت شناختن حق اعتصاب و شوراهای کارگری عنوان کرد.<sup>۳</sup> اگرچه خواسته‌های فوق عیناً در قانون اساسی درج نشد، تأثیر آن‌ها بر برخی اصول قانون مزبور کاملاً مشهود است. به رسمیت شناختن شوراها و سندیکاها در اصل ۲۶، برخورداری از تأمین اجتماعی و بیمه در اصل ۲۹، آموزش و پرورش رایگان در اصل ۳۰، حق بر مسکن در اصل ۳۱، محدودیت ساعات کار در بند سوم اصل ۴۳ و مالکیت بر حاصل کسب و کار در اصل ۴۶ اگرچه نه منطبق با خواست ایشان، به‌طور کلی در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفت. سازمان مجاهدین خلق که در طول مذاکرات نمایندگان مجلس خبرگان به برخی از اصول مصوب انتقاداتی وارد کرده بود، هنگامی که به پیشنهادهای التیماتوم‌گونهٔ آن سازمان مبنی بر اصلاح اصول مربوط به «ولایت فقیه»، «مالکیت» و «حق تعیین سرنوشت» اعتنا نشد، همه‌پرسی قانون اساسی را تحریم کرد.<sup>۴</sup>

۱. در این خصوص نک: بی‌نام، «قانون اساسی و افکار عمومی، مجاهدین و قانون اساسی»، نشریهٔ پیام امروز، شمارهٔ ۱۲۱، چهارشنبه، ۱۰ مرداد ۱۳۵۸، ص ۳.  
۲. همان‌جا.

۳. در این خصوص نک: بی‌نام، «قانون اساسی باید نفی طبقات، استثمار و امپریالیسم را تضمین کند» (گزارش کنفرانس مطبوعاتی اعضای کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق)، نشریهٔ پیام امروز، شمارهٔ ۱۲۱، چهارشنبه، ۱۰ مرداد ۱۳۵۸، صص ۱ و ۸.

۴. سازمان مجاهدین خلق ایران، جنبش ملی مجاهدین و ارتجاع: دو تئوریهٔ برخورد با جنبش ملی مجاهدین از قانون اساسی تا انتخاب ریاست جمهوری، تهران: نشر سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۳۵۹، ص ۵۳.

## نتیجه‌گیری

یکی از فراگیرترین مکاتب اقتصاد سیاسی در دو سده گذشته، سوسیالیسم است که در انشعاب‌های گوناگون آن، بر احقاق عدالت اجتماعی و اقتصادی از طریق تحدید مالکیت خصوصی، تمرکز دارایی همگانی، ملی ساختن ابزار تولید و مظاهر عمده اقتصاد، مداخله گسترده دولت در اقتصاد و ارائه خدمات و کالاهای اساسی به مردم نظیر آموزش، بهداشت و... تأکید می‌شود. این مکتب فکری در ایران نیز هوادارانی پرشمار یافت. در روزهای آغازین انقلاب ۱۳۵۷ جریان چپ و هواداران سوسیالیسم به دو طیف مارکسیسم و اسلام‌گرا دسته‌بندی می‌شد که در هر دو طیف، دارای نفوذ اجتماعی گسترده و ارگان‌های مطبوعاتی بسیار بود. برخی از احزاب و گروه‌های چپ همچون پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، حزب کومله، حزب دموکرات کردستان و برخی انشعابیون سازمان چریک‌های فدایی خلق، در تقابل با جریان اسلام‌گرا به‌طور کلی از روند تدوین و تصویب قانون اساسی حذف شدند. اما برخی دیگر همچون حزب توده و سازمان مجاهدین خلق با پشتیبانی مصلحت‌اندیشانه از جریان اسلام‌گرای هوادار روح‌الله خمینی، توانستند خود را همچنان در جریان انقلاب حفظ کنند. با آنکه پیشینه نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی اسلام‌گرا و از اعضا یا هواداران حزب جمهوری اسلامی بوده‌اند، اندیشه‌های نوگرایانه و قرائت ایشان از اسلام همانندی بسیار با اندیشه‌های چپ داشت. این امر راه تأثیرگذاری چپ‌گرایان بر اصول اقتصادی قانون اساسی را هموار کرد. در این میان، نقش حزب توده، اتحادیه کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان و سازمان مجاهدین خلق بسیار پررنگ بود. پیشنهادهای حزب توده در رایزنی‌های خبرگان قانون اساسی مؤثر بود و ملی‌شدن صنایع و مظاهر اقتصاد در اصل ۴۴، حق بر داشتن کار در اصل ۳۲، حق بر آموزش رایگان در اصل ۳۰ و حق بر مسکن در اصل ۳۱ درج شد. عمده دغدغه‌های اتحادیه کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان نیز تبیین ماهیت نظام اقتصادی آینده و ملی‌کردن مظاهر بزرگ اقتصاد بود که در هر دو مورد با ادبیات و واژگانی همانند ادبیات یادداشت‌های منتشره در نشریه‌ای با همان نام، در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی درج شد. سازمان مجاهدین خلق ایران نیز با بهره‌مندی از سازمان‌دهی تبلیغاتی توانست آرمان‌های خود را در زمینه به رسمیت شناختن شوراها و سندیکاها در اصل ۲۶، برخورداری از تأمین اجتماعی و بیمه در اصل ۲۹، آموزش و پرورش رایگان در اصل ۳۰، حق بر مسکن در اصل ۳۱، محدودیت ساعات کار در بند سوم اصل ۴۳ و مالکیت بر حاصل کسب و کار در اصل ۴۶ تأمین کند.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب‌ها

۱. آقابخشی، علی/افشاری راد، مینو، **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران: نشر چاپار، چاپ اول، ویرایش ششم، ۱۳۸۳.
۲. آبراهامیان، یرواند، **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۷.
۳. ایسینگ، اتمار، **تاریخ اندیشه‌ها و عقاید اقتصادی**، ترجمه هادی صمدی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، مؤسسه تحقیقات اقتصادی، ۱۳۷۴.
۴. بهروز، مازیار، **سورشیان آرمان‌خواه، ناکامی چپ در ایران**، تهران: نشر امیرکبیر، چاپ یکم، ۱۳۸۰.
۵. چیلکوت، رونالد، **نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای**، ترجمه وحید بزرگی، تهران: نشر رسا، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۶. حزب توده ایران، **اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران از شهریور ۵۷ تا اسفند ۱۳۵۸**، نشر حزب توده ایران، تهران: چاپ اول، ۱۳۵۹.
۷. سازمان مجاهدین خلق ایران، **جنبش ملی مجاهدین و ارتجاع: دو شیوه برخورد با جنبش ملی مجاهدین از قانون اساسی تا انتخاب ریاست جمهوری**، تهران: نشر سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۳۵۹.
۸. فوران، جان، **مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از دوران صفویه تا سال‌های پس از انقلاب**، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر رسا، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۹. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، **بایسته‌های حقوق اساسی**، تهران: نشر میزان، چاپ سی‌ونهم، پاییز ۱۳۸۹.
۱۰. قلفی، محمد وحید، **مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران**، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶.

۱۱. مجلس شورای اسلامی، *راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی*، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۱۲. مجلس شورای اسلامی، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی*، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۱۳. مجلس شورای اسلامی، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی*، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، جلد سوم، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۱۴. ورعی، سیدجواد، *مبانی و مستندات قانون اساسی*، تهران: نشر دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۶.

#### مقالات و یادداشت‌ها

۱۵. تاجیک، احسان، «*شریعتی و چپ ایدئولوژیک*»، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۴، صص ۸۷-۱۰۲.
۱۶. دارا، جلیل و معزالدین باباخانی، «*تحلیلی بر روش‌شناسی نظام‌های اقتصادی - سیاسی با تأکید بر ایران*»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال اول، شماره سوم (پیاپی ۳)، پاییز ۱۳۹۷، صص ۵-۳۰.
۱۷. شاهی، مظفر، «*دغدغه جریان‌های سیاسی در موضوع جمهوریت و اسلامیت نظام در فرایند تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*»، فصلنامه تاریخ‌نامه انقلاب، سال اول، دفتر اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱، صص ۲۹-۶۰.
۱۸. سرپرست سادات، سید ابراهیم، «*الگوشناسی و بازشناسی انتقادی مردم‌سالاری نزد جریان سیاسی سوسیالیسم ایرانی دوره پهلوی دوم*»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال اول، شماره دوم (پیاپی ۲) تابستان ۱۳۹۷، ص ۹۳.

۱۹. شاهدی، مظفر و محسن بهشتی سرشت، «تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی در آرا و عمل سیاسی حزب توده ایران: از تأسیس نظام جمهوری اسلامی تا برگزاری رفراندوم قانون اساسی»، فصلنامه تاریخ‌نامه انقلاب، سال سوم، دفتر اول تا چهارم، بهار - زمستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۵ و ۶، صص ۳۹-۶۰.
۲۰. طالبان، محمدرضا، «تأملی بر تکنیک ردیابی فرایند در مطالعات انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه متین، شماره ۴۰، صص ۹۱-۱۱۶.
۲۱. بی‌نام، «در پیش‌نویس قانون اساسی به نظام اقتصادی توجه شده است؟» هفته‌نامه اتحاد کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان، سال اول، شماره ۳۶، دوازدهم شهریور ۱۳۵۸، صص ۱ و ۲.
۲۲. بی‌نام، «زحمت‌کشان و پیش‌نویس قانون اساسی»، هفته‌نامه اتحاد کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان، سال اول، شماره ۱۷، نهم تیرماه ۱۳۵۸، صص ۱ و ۳.
۲۳. بی‌نام، «گزارش شرکت کاندیداهای اکثریت چریک‌های فداییان خلق»، روزنامه بامداد، شماره ۹۴، سوم مرداد ۱۳۵۸، ص ۳.
۲۴. بی‌نام، «قانون اساسی و افکار عمومی، مجاهدین و قانون اساسی»، نشریه پیغام امروز، شماره ۱۲۱، چهارشنبه، ۱۰ مرداد ۱۳۵۸، ص ۳.
۲۵. بی‌نام، «قانون اساسی باید نفی طبقات، استثمار و امپریالیسم را تضمین کند» (گزارش کنفرانس مطبوعاتی اعضای کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق)، نشریه پیغام امروز، شماره ۱۲۱، چهارشنبه، ۱۰ مرداد ۱۳۵۸، صص ۱ و ۸.
۲۶. بی‌نام، «نظر مجاهدین خلق درباره رفراندوم و قانون اساسی»، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۸۱۱، یکشنبه بیست‌وهفتم اسفندماه ۱۳۵۸، ص ۲.
۲۷. «بیانیه سازمان مجاهدین خلق ایران در خصوص مجلس خبرگان قانون اساسی»، نشریه مجاهد، شماره ۲، هشتم مرداد ۱۳۵۸، ص ۵.
۲۸. «بیانیه جنبش مسلمانان مبارز درباره انتخابات مجلس خبرگان»، نشریه امت، شماره ۱۷، هفدهم مردادماه ۱۳۵۸، صص ۱، ۳ و ۷.

## ب) منابع لاتین

**Books**

29. Arnold, N. Scott, *The Philosophy and Economics of Market Socialism: A Critical Study*, Oxford University Press, 1988.
30. Horvat, Branko, *Social ownership, Reader's Guide to the Social Sciences*, edited by Michie, Jonathan, Volume 1. London and New York: Routledge, 2000.
31. Kurian, George Thomas Kurian, *The Encyclopedia of Political Science*, Washington, D.C: CQ Press, 2011,
32. Lamb, Peter; Docherty, J. C, *Historical Dictionary of Socialism* (2nd ed.), Lanham: The Scarecrow Press, 2006.
33. Steele, David, *From Marx to Mises: Post-Capitalist Society and the Challenge of Economic Calculation*, Open Court Publishing Company, 1992.
34. O'Hara, Phillip, *Encyclopedia of Political Economy*, Volume 2, Routledge, 2003.

**Articles**

35. Ladjevardi, Habib. **Labor Unions and Autocracy in Iran.** Contemporary issues in the Middle East. Syracuse, N.Y.: Syracuse University Press, 1985. p. 47.
36. Halliday, Fred. **Trade Unions and the Working Class Opposition**, in MERIP Reports, No. 71 (Oct., 1978), pp. 7-13.

## ج) منابع اینترنتی

۳۷. اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده، به مناسبت هفتادوسومین سالگرد تأسیس

حزب توده، نشریه نامه مردم، شماره ۹۵۶، ۳۱ شهریورماه ۱۳۹۳ منتشره در پایگاه داده

حزب توده ایران به نشانی:

<https://www.tudehpartyiran.org/2013/09/23>

